

## ۷۹. بره خدا

آیا به خاطر دارید پیشوا مسیح چه گفته بود هنگامی که می خواست خدمت عمومی خود را آغاز کند؟ یحیی بن زکریا بعیسی بن مریم اشاره کرده گفت «نگاه کنید این است آن بره خدا که گناه جهان را بر میدارد» (یوحنا ۱: ۲۹). لقب «بره خدا» برای کسانی که درک کرده اند و ایمان می آورند، معنی خاصی دارد. فدیة خدادادی که توبه کار را از مرگ ابدی نجات می دهد برای ایمانداران است. آری، آن کس که خود را بخداوند تسلیم نماید در حقیقت مسلمان و افعی می باشد.

البته ده هزار گوسفند را با آن یکنفر هرگز نمی توان مقایسه کرد. گوسفند یا قوچ فقط سمبل یا نمونه ایست از آن شخصی که بتواند فدا شود یا كفاره دهد. امروزه دیگر احتیاج بگذرانیدن حیوانات را نداریم زیرا که او که فدائی اصلی بود آمد، جان خود را برای گناهکاران فدیة کرد. اشعیا نبی قرنهای پیش از میلاد مسیح توضیحات ذیل را نسبت به مرگ مسیح داد:

«ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند همراه شده بودیم، راه خدا را ترک کرده به راههای خود رفته بودیم. با وجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت! . . . خداوند می فرماید "این خواست من بود که او رنج بکشد و بمیرد. او جانش را قربانی کرد تا آمرزش گناهان به او ارمغان آورد، بنابراین صاحب فرزندان بی شمار خواهند شد. او زندگی را از سر خواهد گرفت

و اراده من بدست او اجرا خواهد شد.» (اشعیا ۵۳:۶ و ۷ و ۱۰).

چنین آمده است که عده ای از کارگران بالای برج نور یا فانوس دریائی کار میکردند و می خواستند تعمیراتی بکنند. ناگاه پای یکی لغزید و از آن ارتفاع بلند روی سنگهای کنار دریا افتاد. ولی خداوند باو رحم کرد - گوسفند بزرگی در آنجا می چرید و درست روی پشت گوسفند افتاد. بیچاره گوسفند بیگناه کشته شد ولی کارگر بعلت وجود گوسفند نجات یافت.

همه گناه کرده ایم و طبق دادگاه الهی مستحق مرگ هستیم ولی شکر خدایرا که بخشنده و مهربان است زیرا که مسیح را که «بره خدا» است به این دنیا فرستاد تا جرم گناهان ما را بعهده گیرد. مرگ او نه نتیجه اعمال بهودیان بود و نه اعدام از طرف حکومت روم بلکه فدائی بود که قدرت شیطان را نابود کند و نمودار

رنج و خجالت و قصور و خیانت بود اکنون مظهر ظفر بر گناه و مرگ شمرده می شد و درخت زیتون علامتی پر معنی و عظیم برای نوع بشر میباشد.

خداوند هر کس را که می خواهد بطرف نور خود هدایت می کند، منتهی همه از آن بهره مند نمیشوند. بعضیها می گویند مسیح شخص شیادی بود. دیگران مدعی اند که معلمی بیش نبود. همچنین عده ای می گویند که مسیح یک شخص عادی بود. دیگران او را پسر جسمی خدا می دانند. و دیگران بر آنند که وی یکی از سه خدا بود. ولی با کنجکاوی دقیق در تورات و انجیل و قرآن معلوم می شود

که هیچ کدام از عقاید نامبرده صحیح نیست. در هیچ کدام از کتب مقدس گفته نشده که مسیح جسماً پسر خداست. همچنین در هیچ یک از کتب مقدس او یکی از بمیان نیامده

است. خداوند یکی است. تمام کتب بر این اصل مسلم توافق نظر دارند.

در ضمن مسیح را شخص عادی یا پیغمبر عمومی هم نمی توانیم بدانیم زیرا که همان کتب مقدس توضیحات خارق العاده ای راجع باو می دهند که بهیچ نبی دیگری نسبت داده نشده است. برعکس اگر واقعاً در عالم انبیاء فرقی یا برتری باشد سمت مسیح را خود بسنجید: «این جماعت که فرستاده شدگانند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری دادیم و برخی از ایشان کسی است که خدا با او سخن گفت و مرتبه های برخی از ایشان را بالا برد و بعیسی پسر مریم دلیلهای روشن دادیم و او را بروح القدس نیرو دادیم.» (سوره ابره ۲۵۳).

اظهار قرآن مجید در این باره بسیار ارزنده است که می فرماید «پس از روح خوبش در وی دمیدیم» (سوره الانبیاء ۹۱). روح خدا؟ آری در همان کتاب مسیح «روح الله» نامیده شده. سایر انبیاء او را «گوینده خدا» و «صدیق خدا» و «عادل» و «رسول» خوانده اند. اینها قابل درکند ولی «روح خدا» چه معنی دارد؟ من نمی دانم و شاید شما هم ندانید - چون راجع به الهیات صحبت میکنیم.

متذکر شدیم که انسان از گوشت و خون و استخوان تشکیل شده و ما با این جسم ضعیف می خواهیم خداوند را جستجو کرده دربابیم و خداوند مظهر روح

می باشد. المثنائی وجود ندارد و چون نمی توانیم با چشمان خود شباهتش را مشاهده کنیم، فهم آن و توضیح آن خارج از زبان و تجربه می باشد. مسیح گردش کرده مردم را با فعل و کلام صفات خداوند آشنا می کرد. بعبارت دیگر خداوند کلمه خود را بجسم بشر پوشانید و بدان وسیله خود را به بنی آدم مکشوف گردانید. برنامه بعدی ما راجع به خطرات مجسمه پرستی میباشد. خدا حافظ شما.

